

شنبه · ۲۵ خرداد ۱۳۹۲ · سال دهم · شماره ۱۷۵۷ · ۷	
روزنامه	
حقوق	
مبحث اول — ریاست‌جمهوری و وزراء	صفحه ۸
اصل ۴۴ فراتر از دو آرمان	صفحه ۹
ساماندهی حقوقی جرم سیاسی	صفحه ۱۰

یادداشت	
مواظب باشید!	
۱- فوتبالیستی نزد روانپزشک رفت و گفت: وارد میدان که می‌شوم، مغزم می‌گوید: سریع باش. بدو. توپ را از همه حریفان بگیر و جلوببر همه را عقب بگذار. شوت کن. گل بزَن! روانپزشک گفت: «اینکه خیلی خوب است. چرا پیش من آمده‌ای؟» فوتبالیست جواب داد: اشکال کار اینجاست که بعد از آنکه مغزم این دستورها را صادر کرد، بدنم می‌گوید: «کی، من!»	

۲- به‌نظر می‌رسد نامزدهای مقام‌ها و پست‌های گوناگون، از جمله داوطلبان ریاست‌جمهوری نه در این دوره و نه‌فقط در کشور ما، بلکه در بیشتر جوامع و ادوار، در زمان تبلیغات، در موضع مغز و پس از موفقیت و «سوار کار شدن» در موقعیت بدن آن دوست فوتبالیست قرار می‌گیرند.

۳- قوانین اساسی کشورها ضمن اینکه نظام حکومتی آنها و سازمان کلان آن را بیان می‌کند، بیانگر اهداف و آرمان‌هایی است که نویسندگان این قوانین به آنها باور داشته و رسیدن به آنها را حق مردم کشورشان می‌دانسته‌اند. پس روشن است دولتمردان و زعما و کارگزارانی که پس از تصویب این قوانین، کارها را عهده‌دار می‌شوند، باید با تمام توان برای رسیدن به این اهداف و آرمان‌ها تلاش کنند. نخستین گام آنها در این راه نیز باید این باشد که تکلیف رابطه مغز و بدنشان را از آغاز، معلوم کنند تا به مشکل آن فوتبالیست دچار نشوند. بدیهی است در این مورد، هم مغز و هم بدن موجوداتی کثیرالاجزا و پیچیده هستند. در غیاب احزاب، مغز را گروهی، گاه ناهمگون، از افرادی با عقاید و افکار گوناگون و گاهی حتی متضاد و متناقض تشکیل می‌دهند که نقطه پیوندشان فقط این است که مثلاً «زید» رئیس‌جمهور شود. همچنین بدن مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای و افراد و نیروهاست که لزوماً همگرا نیستند و در بسیاری موارد آشکارا و اگرآه هستند. همین که بعد از سی‌وچند سال هنوز مشخص و معلوم نشده «اصلوگر» کیست و «اصطلاح‌طلبی» چیست، پیچیدگی قضیه را نشان می‌دهد. ابهامی که باعث می‌شود هر کس در هر لحظه بتواند خود را «اصلوگر» یا «اصلاح‌طلب» معرفی کند در عین حال، چون این وضعیت کاملاً روشن و شناخته‌شده و جاافتاده است، هیچ دولتمردی – از جمله رئیس‌جمهور – نمی‌تواند بگوید «نگذاشته‌اند، همکاری نکردند» و مانند آنها، چون پاسخ این خواهد بود که «وقتی مغزت با بدنت همراه و هماهنگ نبود، نباید وارد زمین فوتبال می‌شدی».

۴- نویسندگان قانون اساسی ما اهداف و آرمان‌ها را بعضاً در مقدمه قانون مذکور و فصل اول آن – مشتمل بر اصول کلی – و عمده در فصل سوم که اصول نوزده تا چهل و دوم را در بر می‌گیرد، آورده‌اند. البته در جابجایی اصول این اهداف و آرمان‌ها گاهی بسیار دور از دسترس به نظر می‌آیند اما از یک سو باید به یادداشت نویسندگان قانون اساسی که آن اصول را ۳۴ سال پیش تعیین و تعریف کرده‌اند، اشاره کرد و از دیگر سو نباید فراموش کرد کشور ما از نظر امکانات و منابع و موقعیت جغرافیایی و … توانایی بالقوه برای رسیدن به این اهداف و آرمان‌ها را دارد. آنچه باقی می‌ماند همان همراهی و هماهنگی مغز و بدن فوتبالیست است.

۵- اما اگر بخواهیم فرستی از اهداف و آرمان‌های تحقق‌نیافته – یا کاملاً تحقق‌نیافته – ای را که در قانون اساسی آمده به دست دهیم، شاید نوشتن کتاب یا فراهم‌آوردن جزوهای لازم باشد. آنچه خواهد آمد، مشتی است نمونه خوراز: الف – تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه (بند ۱ اصل ۴۲ و اصول ۳۰ و ۳۱ و ۱۰ قانون اساسی) ب – تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند … تنظیم برنامه اقتصادی کشور و ساعات کار چنان که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی را داشته باشد. ج – تقویت روحیه همکاری و تعاون در میان شهروندان (بند ۲ از اصل ۴۲ و اصل ۲۸ قانون اساسی)

ب – تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند (بند ۹ اصل ۴۳).

ت – برقراری تساوی حقوق همه مردم ایران اعم از زن و مرد (اصل ۱۹ و اصل ۲۰)

ث – احیای حقوق و رشد شخصیت زن و حمایت از مادران و کودکان

بی‌سرپرست و ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست (اصل ۲۱ قانون اساسی)

ج – منع نقضتش عقاید (که یک جلوه آن می‌تواند حذف سول مربوط به دین و مذهب از کلیه فرم‌ها و پرسشنامه‌های رسمی باشد) (اصل ۲۲)

ادامه در صفحه ۱۰



شنبه **·**
۲۵ خرداد ۱۳۹۲ **·**
سال دهم **·**
شماره ۱۷۵۷ **·**
۷

روزنامه	
حقوق	
مبحث اول — ریاست‌جمهوری و وزراء	صفحه ۸
اصل ۴۴ فراتر از دو آرمان	صفحه ۹
ساماندهی حقوقی جرم سیاسی	صفحه ۱۰

نگاه	
زنان و	
رئیس‌جمهور منتخب	
فریده غیرت	

اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.اصل ۱۵۴ قانون اساسی: نظارت بر حسن اجرای قوانین را جزو وظایف قوه قضاییه می‌داند ولی شورای نگهبان با توجه به اصل ۱۱۳ فوق‌الذکر، صراحت دارد که رئیس‌جمهور حق اختار و تذکر در خصوص اجرای قوانین را داراست. بر این مبنانظارت رئیس‌جمهور بر حسن اجرای قوانین در خصوص اصل بیست‌ویکم که اختصاص به حقوق زنان دارد، به علت کثرت شمول و اینکه در خصوص نیمی از جامعه بحث می‌کند، واجد اهمیت خاص می‌باشد. طبق اصل بیست‌ویکم: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه‌ای مساعد برای شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
۲- حمایت مادران به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

۵- اعطای کمیویت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

توجه به مصادیق اصل مذکور که شامل اعمال و رعایت برخی از حقوق زنان می‌باشد و دولت موظف به ایجاد آنها شده نیز متأسفانه به‌طور کامل در ایران اجرا نشده است. قانونی که تحت عنوان لایحه خانواده ابتدا از طرف هیات وزیران پیشنهاد و نهایتاً پس با تغییراتی در تاریخ ۹۱/۱۲/۱۱ در قوه مقننه تصویب شد، با آنکه عنوان حمایت خانواده را دارد و در توجه آن به اصل ۲۱قانون اساسی استناد شده،متأسفانه فاقد جنبه حمایت از خانواده بوده و فقط به دادرسی و ایجاد دادگاه صالح مذکور در بند ۳ اصل ۲۱ و ایجاد مصادیق و شرایط آن پرداخته است و موارد دیگر همچنان بدون بحث مانده است. تردید نیست که در جامعه سنتی ایران، در خصوص برخورداری زنان از حقوق مساوی متأسفانه هنوز با نابرابری‌هایی مواجه هستیم. هنوز عدای از مردان جامعه ما چنین تصور می‌کنند که هر نوع تغییر و اصلاح قوانین اگر به زنان مربوط باشد و یا حق جدیدی را برای آنان قایل شود،لطمه‌ای را به حیثیت و شرافت آنان وارد می‌کند. بر همین مبنا مطالبات و خواسته‌های زنان در خصوص برخورداری از حقوق مساوی با مردان، بی‌جواب مانده و با جدیت در مقابل تحقق آنها مقابله می‌شود. یکی از وظایف رئیس‌جمهور منتخب مردم، توجه و بررسی خواسته‌های زنان به‌عنوان مطالبات نیمی از جامعه است. توجه به خواسته‌های زنان درخصوص رفع تبعیض از قوانین و اعطای حقوق مساوی در راستای وظایفی است که رئیس‌جمهور بر عهده دارد قطعاً توجه زنان ایران پس از انتخاب رئیس‌جمهور به‌عملکرد ایشان درخصوص این موضوع مهم خواهد بود و در مقابل آن نه سکوت جایز است و نه بی‌توجهی. اصل دموکراسی حکم می‌کند که منتخب واقعی اکثریت مردم منتخب همه تلقی شود و در این صورت نمی‌شود که چنین شخصی به مطالبات و خواسته نیمی از جامعه توجهی مبذول نکند.

● وکیل دادگستری



عکس: فرهاد کاوه

حسین میرمحمد صادقی در گفت‌وگو با روزنامه «شرق»:

رئیس‌جمهور منتخب تکلیف اصول بر زمین‌مانده قانون اساسی را روشن کند

اما مواردی هم هست که شیوه اجرای آن مشخص نشده است. اصل ۲۷

قانون اساسی می‌گوید که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها آزاد است. باید قانون کاملی داشته باشیم که دقیقاً مشخص کند که این راهپیمایی‌ها چگونه می‌تواند انجام شود، چه مجوزهایی باید گرفته شود و به‌ویژه اگر مقامی بدون دلیل این مجوز را نداد چه جرمی را مرتکب شده است چون بالاخره بخشی از ملت را از اعمال بخشی از حقوقشان ممنوع کرده است. اصل ۳۵ راجع به حق انتخاب وکیل است. اگر بعضی از مواقع دادگاه‌ها عملاً کاری کنند که وکیل نتواند در دادگاه شرکت کند و در واقع طرف دعوی یا متهم نتواند از وکیل درست استفاده کند، ضمانت اجرای آن چیست؟ علیه آن قاضی چه اقداماتی می‌توان انجام داد یا موارد دیگر در این فصل هم به همین ترتیب.

● علاوه بر فصل مربوط به حقوق ملت چه موارد دیگری وجود دارد که هنوز با اجرا نشده یا ناقص اجرا شده است؟

در جای جای قانون اساسی اصول دیگری آمده که آنها هم به نوعی با حقوق ملت مربوط می‌شوند. مثلاً اصل ۱۶۸ قانون اساسی که قبلاً هم در متمم قانون اساسی مشروطیت هم به عنوان اصل ۷۹ آمده بود، در رابطه با وجود هیات‌منصفه برای محاکمه مجرمان سیاسی است. طبق این اصل باید دادگاه مجرمان سیاسی با حضور هیات‌منصفه باشد منتها این مساله منوط به تعریف جرم سیاسی در قانون عادی شده است. پس این تعریف را باید قانون عادی انجام دهد. در مواردی تلاش‌هایی شده که جرم سیاسی تعریف شود اما به مانع برخورد و عملاً تاکنون تعریفی از جرم سیاسی ارایه نشده است. در نتیجه مجرمان سیاسی به نوعی از تضمین اصل ۱۶۸ که وجود هیات‌منصفه در محاکماتشان است، محروم شده‌اند. یکی از موارد دیگر بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی راجع به بحث پیشگیری از جرم است که از وظایف قوه‌قضاییه

 	 	 	 	 	

فکر می‌کنم یکی از انتظارات به حقی که مردم از نامزدهای ریاست‌جمهوری دارند، این است تکلیف حقوق ملت که در قانون اساسی است و چگونگی اجرای این بند اصل از ۱۵۶ و چگونگی همکاری بر زمین‌مانده قانون اساسی را باید روشن کنند و به مردم بگویند چه برنامه‌ها و سازوکاری را پیش‌بینی کرده‌اند که وقتی به پست ریاست‌جمهوری رسیدند این موارد را انجام دهند

ذکر شده که البته ظرف این ۳۰ و چند سال عملاً موفقیت قابل‌ذکری در امر پیشگیری از جرم انجام نشده که دلیل آن هم این است که هنوز قانونی تصویب نشده که شیوه اجرای این بند اصل از ۱۵۶ و چگونگی همکاری قوای مختلف را در این زمینه مشخص کند. از اصول دیگر اصل ۱۴۲ قانون اساسی در رابطه با رسیدگی به داریی مسوولان است. با وجود اشکالاتی که این اصل دارد و باید به آنها پرداخته شود اما بالاخره معلوم نیست که این عبارت که گفته شده رئیس قوه‌قضاییه باید قبل و بعد از پذیرش مسوولیت داریی مسوولان را بررسی کند بر چه اساس و معیاری انجام می‌شود. آیا در مقام قاضی باید رسیدگی کند یا اینکه صرفاً یک روند اداری است؟ آیا باید گزارشش را به مردم اعلام کند یا نه؟ این اصل هم تکلیفش معلوم نیست که باید مشخص شود. یا یک مورد دیگر اینکه ممکن است اشتباه قاضی باعث محکوم‌شدن به‌ناحق فردی شود. مشخص نیست که شیوه پرداخت غرامت از بیت‌المال و بودجه عمومی به فردی که به‌ناحق محکوم شده است چگونه باید باشد؟ چرا عملاً این مساله اجرا نمی‌شود و افرادی که به این شکل آرای ناحقی علیه‌شان صادر می‌شود عملاً نمی‌توانند دادخواست غرامت کنند.

● با این تفاسیر شما معتقدید که رئیس‌جمهور باید در جهت عملیاتی‌شدن این اصول قدم بردارد؟

بمنده فکر می‌کنم قطعاً یکی از وظایف اصلی هر کس که رئیس‌جمهور می‌شود این است که مجموعه اصول قانون اساسی را از طریق مشاوران حقوقی خود به‌طور دقیق بررسی کند و اصولی که زمینه اجرای آنها فراهم نشده را مشخص و مواردی هم که عدم اجرای آنها ناشی از فقدان یا نقص قانون داخلی است در قالب لایحه به مجلس تقدیم کند تا این خلأهای قانونی مرتفع شود.

● مشکلی که وجود دارد این است فردی که رئیس‌جمهور می‌شود

اولویت‌هایی از قانون اساسی را مدنظر قرار می‌دهد که به تفکر سیاسی

خودش نزدیک است.

شرق: انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم روز گذشته برگزار شد و به‌زودی رئیس‌جمهوری که نام وی از صندوق‌های رای بیرون آمده کلید پاسستور را در دست خواهد گرفت تا برای چهار سال مستاجر دستگاه اجرایی کشور باشد. فردی که بر اساس قانون اساسی پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه‌مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد. تاکنون رئیس‌جمهورهای مختلفی بر کرسی ریاست این قوه تکیه زده و در همان ابتدای ورودشان وعده اجرای تمامی اصول قانون اساسی را داده‌اند. اما با وجود آمدن و رفتن افراد مختلف هنوز هم تعدادی از آن اصول یا مغفول هدایت کند، به بحث و گفت‌وگو نشستیم. حاصل گفت‌وگوی روزنامه «شرق» با میرمحمد صادقی در ادامه بخوانید.

● بیش از ۳۴ سال از تصویب قانون اساسی گذشته و رئیس‌جمهور های متفاوت در دوره‌های مختلف سکان هدایت قوه اجرایی کشور را در دست گرفته و سپس به دیگری واگذار کرده‌اند. تقریباً هیچ همه هم شعارشان اجرای اصول قانون اساسی به عنوان میثاق ملی بین دولت و مردم بوده است. اما با این حال هنوز یکسری از اصول قانون اساسی یا اجرا نشده یا به‌طور ناقص اجرا شده، جنابعالی منشأ این مشکل را در کجا می‌دانید؟

همان‌طور که می‌دانیم رئیس‌جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه‌مجریه را در اختیار دارد. جالب است که در اصل ۱۱۳ به مسوولیت اجرای قانون اساسی از لحاظ ترتیب ذکر آن نسبت به ریاست قوه‌مجریه اولویت داده شده است. پس طبیعی است که رئیس‌جمهور باید نسبت به این مساله احساس مسوولیت و به‌ویژه تلاش کند که اصول برجامانده قانون اساسی را اجرا کند. در مورد دو رئیس‌جمهور اخیر شاید هر دو تلاش کردند با تشکیل هیات‌هایی در اجرای این اصل اقداماتی را انجام دهند، البته شورای نگهبان خلاف قانون‌بودن هر دو مورد را اعلام کرد.

● البته با آمدن رئیس دولت نهم بر سر کار، فعالیت این هیات متوقف

شد و در آخرین سال دولت دهم این هیات را مجدداً احیا کرد؟

بله دقیقاً. در آن دوران آقای احمدی‌نژاد که تازه بر صندلی ریاست قوه‌مجریه تکیه زده بود این اقدام دولت دوران اصلاحات را مورد نقد شدید قرار می‌داد و می‌گفت که این هیات جنبه قانونی ندارد و اقداماتش نیز خلاف قانون اساسی است و آن را منحل کرد با این حال او در اواخر حیات ریاست‌جمهوری‌اش اقدام به ایجاد چنین هیاتی کرد.

● فکر می‌کنید تصمیم به احیای دوباره این هیات بیشتر جنبه حقوقی

داشته یا سیاسی؟

به اعتقاد من بیشتر دعواهای سیاسی باعث تشکیل و احیای این هیات شده بود نه نگرانی در رابطه با اصول برجامانده قانون اساسی.

● من پاسخ سوالم را نگرفتم، اینکه دلیل مغفول ماندن یا ناقص اجراشدن برخی از اصول قانون اساسی چیست؟

در مورد اصول برجامانده و اجرانشده قانون اساسی باید بگویم که این اصول متعدد هستند و دلیل عمده اجرانشدن آنها هم عدم تصویب قانون عادی است که شیوه اجرای اصل قانون اساسی را مشخص کند. برخی از اصول قانون اساسی به اصطلاح خوداجرا نیستند، آنگونه که در مورد برخی از معاهدات بین‌المللی می‌گویند که اجرای اینها حتماً نیازمند یک قانون است که زمینه اجرا را فراهم کند.

● به‌طور مصداقی چه اصولی در قانون اساسی کمتر موردتوجه قرار

گرفته یا به‌درستی اجرا نشده است؟

از اصل ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی یعنی بیش از ۲۰ اصل در همین فصل

قانون اساسی در ارتباط با حقوق ملت است. برخی از اینها در قوانین عادی

آمده و ضمانت اجرای نقص آنها مشخص شده است. مثلاً اصل ۲۸ می‌گوید

که شکنجه و اجبار اشخاص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و ادامه

می‌دهد متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. قانون مجازات

اسلامی مواردی را مشخص کرده که فرد مرتکب، تحت مجازات قرار می‌گیرد.